



شناسایی شاخص‌های کلیدی یادگیری مشارکتی در راستای آموزش پایدار

ناهید کریمی^۱، سجاد لطفی^۲

۱. گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۲. گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Sajjadlotfi12@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی شاخص‌های کلیدی یادگیری مشارکتی در راستای آموزش پایدار با بهره‌گیری از دیدگاه‌های متخصصان آموزشی است. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۱ نفر از متخصصان حوزه آموزش، برنامه‌ریزی درسی و توسعه پایدار که در شهر تهران فعالیت داشتند، گردآوری شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار NVivo استفاده شد. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی سه مقوله اصلی شامل: «فرایندهای یادگیری مشارکتی»، «زمینه‌های پشتیبان یادگیری» و «ارزش‌ها و نگرش‌های یادگیری» شد. این مقولات دارای زیرمقوله‌هایی همچون تعامل بین فردی مؤثر، مسئولیت‌پذیری گروهی، تصمیم‌گیری جمعی، حمایت معلم، ساختار برنامه درسی، ارزشیابی مشارکتی، انگیزش درونی، تعهد به اهداف یادگیری پایدار و... بودند که هریک دارای مفاهیم کلیدی بودند. یافته‌ها نشان داد یادگیری مشارکتی زمانی به آموزش پایدار منتهی می‌شود که تعاملات سازنده، ساختارهای حمایتی و ارزش‌های یادگیری پایدار به صورت یکپارچه تقویت شوند. شاخص‌های شناسایی‌شده می‌توانند مبنای نظری و عملی برای طراحی فعالیت‌های آموزشی مشارکتی در راستای آموزش پایدار فراهم سازند. استفاده از این شاخص‌ها در برنامه‌ریزی درسی، آموزش معلمان و سیاست‌گذاری آموزشی می‌تواند به بهبود کیفیت یادگیری و ارتقاء شایستگی‌های اجتماعی و زیست‌محیطی فراگیران منجر شود.

کلیدواژه‌گان: یادگیری مشارکتی، آموزش پایدار، تحلیل مضمون، شاخص‌های آموزشی، توسعه پایدار، یادگیری گروهی

تاریخ ارسال: ۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۸ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۹ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۳ تیر ۱۴۰۳



How to cite: Karimi, N., & Lotfi, S. (2024). Identifying Key Indicators of Collaborative Learning for Sustainable Education. *Training, Education, and Sustainable Development*, 2(2), 1-9.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Identifying Key Indicators of Collaborative Learning for Sustainable Education

Nahid Karimi¹, Sajjad Lotfi^{2*}

1. Department of Educational Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

2. Department of Educational Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

*Corresponding Author's Email: Sajjadlotfi12@gmail.com

Abstract

This study aimed to identify key indicators of collaborative learning aligned with sustainable education from the perspective of educational experts. This qualitative study employed thematic analysis. Data were collected through semi-structured interviews with 21 experts in education, curriculum planning, and sustainable development based in Tehran. Purposeful sampling was conducted until theoretical saturation was reached. NVivo software was used for data analysis. The analysis revealed three main themes: "Collaborative Learning Processes," "Supportive Learning Contexts," and "Learning Values and Attitudes." These categories included subthemes such as effective interpersonal interaction, group responsibility, collective decision-making, teacher support, curriculum structure, participatory assessment, intrinsic motivation, and commitment to sustainability goals. The results indicated that collaborative learning supports sustainable education when social interactions, structural support, and sustainability-oriented values are holistically integrated. The identified indicators offer both theoretical and practical foundations for designing collaborative learning strategies aligned with sustainable education. Incorporating these indicators into curriculum planning, teacher training, and educational policymaking can improve learning quality and foster learners' social and environmental competencies.

Keywords: *Collaborative learning, sustainable education, thematic analysis, educational indicators, sustainable development, group learning*

Submit Date: 23 April 2024

Revise Date: 28 May 2024

Accept Date: 18 June 2024

Publish Date: 3 July 2024

در دنیای امروز که با چالش‌های پیچیده‌ای نظیر بحران‌های زیست‌محیطی، نابرابری‌های اجتماعی، و تهدیدات اقتصادی مواجه است، نظام‌های آموزشی بیش از پیش موظفند تا نقش فعال‌تری در تربیت شهروندانی ایفا کنند که دارای شایستگی‌های چندبعدی برای زیستن، کار کردن و تصمیم‌گیری در جهانی ناپایدار باشند. در همین راستا، مفهوم آموزش پایدار (Sustainable Education) به‌عنوان یک رویکرد تحول‌گرا مطرح شده است که بر توسعه‌ی نگرش‌ها، دانش، مهارت‌ها و ارزش‌هایی تأکید دارد که به پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی کمک می‌کند (Sterling, 2011). آموزش پایدار بر آن است تا فرآیند یادگیری را از حالت انتقالی و منفعلانه به تجربه‌ای تعاملی، مشارکتی و مسئله‌محور تبدیل کند؛ فرآیندی که در آن، یادگیرنده نه صرفاً دریافت‌کننده‌ی اطلاعات، بلکه بازیگر فعال اجتماعی است.

یکی از مؤلفه‌های کلیدی برای تحقق آموزش پایدار، یادگیری مشارکتی (Collaborative Learning) است. یادگیری مشارکتی به عنوان یک رویکرد آموزشی که در آن فراگیران به‌طور فعالانه و گروهی در فرآیند یادگیری درگیر می‌شوند، نه تنها باعث ارتقاء سطح دانش و درک مفهومی می‌شود، بلکه مهارت‌های اجتماعی، توانایی‌های حل مسئله و نگرش‌های دموکراتیک را نیز در آن‌ها تقویت می‌کند (Laal & Ghodsi, 2012). در محیط‌های آموزشی که یادگیری مشارکتی نهادینه شده است، دانش‌آموزان از طریق تعاملات اجتماعی، یادگیری عمیق‌تری را تجربه می‌کنند، احساس تعلق بیشتری به فرآیند یادگیری دارند و در تصمیم‌گیری‌های گروهی مشارکت می‌کنند؛ این عوامل در کنار هم به توسعه‌ی قابلیت‌های پایدار در فراگیران می‌انجامد.

مطالعات متعددی نشان داده‌اند که یادگیری مشارکتی می‌تواند موجب بهبود کیفیت آموزش، افزایش دستاوردهای تحصیلی، و تقویت شایستگی‌های بین‌فردی گردد. به‌طور مثال، پژوهش‌هایی مانند تحقیقات Gillies (2016) و Barkley et al. (2014) بر آن تأکید کرده‌اند که همکاری در یادگیری نه تنها دانش محتوایی را افزایش می‌دهد، بلکه خودتنظیمی، همدلی، تفکر انتقادی و تعاملات مؤثر را نیز پرورش می‌دهد. این ویژگی‌ها، همان مؤلفه‌هایی هستند که آموزش پایدار برای تحقق آن‌ها تلاش می‌کند. در همین راستا، رابطه‌ی تنگاتنگی میان یادگیری مشارکتی و اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDGs) به ویژه هدف چهارم (آموزش باکیفیت، برابر و فراگیر) وجود دارد (UNESCO, 2020).

با این حال، موفقیت یادگیری مشارکتی در بستری همچون آموزش پایدار، وابسته به شناسایی و توسعه‌ی شاخص‌هایی است که این نوع یادگیری را هدایت و ارزشیابی می‌کنند. شاخص‌ها می‌توانند راهنماهایی برای معلمان، برنامه‌ریزان درسی و سیاست‌گذاران باشند تا بدانند چگونه یادگیری مشارکتی را در کلاس‌های درس نهادینه کنند و چگونه عملکرد آن را در مسیر پایداری ارزیابی نمایند. در ادبیات موجود، اگرچه به جنبه‌هایی از یادگیری مشارکتی همچون مهارت‌های ارتباطی، مسئولیت‌پذیری گروهی، و توانایی حل مسئله اشاره شده است (Johnson & Johnson, 2009)، اما مطالعاتی که به‌طور خاص به شناسایی شاخص‌های کلیدی یادگیری مشارکتی در راستای اهداف آموزش پایدار بپردازند، به‌ویژه در زمینه آموزش عمومی و در کشورهای در حال توسعه، اندک‌اند.

از سوی دیگر، پیچیدگی مفهوم یادگیری مشارکتی و تنوع بافت‌های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی ایجاب می‌کند که این شاخص‌ها از طریق روش‌های کیفی و با بهره‌گیری از تجارب و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و معلمان فعال در این حوزه، شناسایی شوند. پژوهش‌های کیفی می‌توانند با نفوذ به عمق تجربه‌های حرفه‌ای، چشم‌اندازهای معناداری درباره‌ی فرآیندها، زمینه‌ها و ارزش‌هایی که یادگیری مشارکتی را مؤثر و پایدار می‌سازند، فراهم کنند (Creswell & Poth, 2018).

بر این اساس، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون، درصدد آن است که با انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان آموزشی، شاخص‌های کلیدی یادگیری مشارکتی در راستای آموزش پایدار را شناسایی نماید. تمرکز این مطالعه بر تجارب میدانی و دیدگاه‌های متخصصان حوزه آموزش در شهر تهران است؛ شهری که با دارا بودن تنوع فرهنگی و نظام آموزشی پیچیده، می‌تواند زمینه‌ی مناسبی برای فهم چندبعدی یادگیری مشارکتی فراهم آورد.

این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش اساسی است که «شاخص‌های کلیدی مؤثر بر یادگیری مشارکتی با رویکرد آموزش پایدار کدام‌اند؟» با شناسایی این شاخص‌ها، می‌توان الگویی نظری و بومی برای طراحی فعالیت‌های مشارکتی در کلاس درس، تنظیم شیوه‌های ارزشیابی، و بهبود برنامه‌های درسی ارائه داد. از این‌رو، نتایج این مطالعه می‌تواند برای معلمان، مدیران آموزشی، سیاست‌گذاران و حتی نهادهای تربیتی فراتر از آموزش و پرورش نیز سودمند باشد.

در نهایت، تأکید این پژوهش بر آن است که آموزش پایدار تنها از طریق اصلاح محتوای آموزشی یا افزودن واحدهایی درباره‌ی محیط زیست یا عدالت اجتماعی محقق نمی‌شود، بلکه باید از درون فرآیند یادگیری و با ارتقاء کیفیت تعاملات میان فراگیران، مشارکت معنادار، تصمیم‌گیری جمعی، و مسئولیت‌پذیری در یادگیری آغاز شود. یادگیری مشارکتی با فراهم ساختن بستری برای رشد ارزش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های چندلایه، می‌تواند نقش کلیدی در تحقق این رویکرد ایفا کند؛ مشروط بر آنکه شاخص‌های مؤثر آن به‌درستی شناسایی، تبیین و به‌کار گرفته شوند.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد اکتشافی انجام شده است که هدف آن شناسایی شاخص‌های کلیدی یادگیری مشارکتی در راستای آموزش پایدار می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. مصاحبه‌ها با ۲۱ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران حوزه آموزش، برنامه‌ریزی درسی، علوم تربیتی و توسعه پایدار که در شهر تهران ساکن بودند یا در مراکز علمی مستقر در تهران فعالیت داشتند، انجام گرفت.

طراحی پژوهش مبتنی بر روش تحلیل مضمون بوده است و نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با بهره‌گیری از رویکرد گلوله‌برفی صورت پذیرفته است. معیار ورود مشارکت‌کنندگان شامل برخورداری از تجربه علمی و اجرایی در زمینه یادگیری مشارکتی، تدریس یا پژوهش در حوزه آموزش پایدار، و آمادگی برای مشارکت در مصاحبه‌های تعمیقی بود. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت، اشباع نظری در مصاحبه بیست‌ویکم حاصل گردید.

برای جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به کار گرفته شد. سؤالات مصاحبه بر اساس مرور ادبیات نظری و همچنین اهداف تحقیق طراحی شدند. هر مصاحبه به‌طور میانگین بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید. پیش از آغاز هر مصاحبه، رضایت‌نامه کتبی از مشارکت‌کنندگان اخذ شد و بر محرمانه بودن اطلاعات تأکید گردید.

داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به صورت تحلیل مضمون (Thematic Analysis) و با استفاده از نرم‌افزار Nvivo نسخه ۱۲ تحلیل شدند. مراحل تحلیل شامل آشنایی با داده‌ها، کدگذاری اولیه، شناسایی مضامین، بازبینی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین و تدوین گزارش نهایی بود. در طی فرایند تحلیل، پژوهشگران تلاش نمودند با بهره‌گیری از استراتژی‌های اطمینان‌بخشی کیفی نظیر بازبینی همکار، بررسی توسط مشارکت‌کنندگان (member checking) و مستندسازی دقیق مراحل تحلیل، اعتبار و قابلیت اعتماد داده‌ها را تضمین نمایند.

یافته‌ها

مقوله اول: فرایندهای یادگیری مشارکتی

تعامل بین فردی مؤثر

یادگیری مشارکتی مستلزم برقراری تعامل‌های سازنده و مؤثر میان فراگیران است. مشارکت‌کنندگان بر اهمیت احترام به نظرات دیگران، گوش دادن فعال و همدلی تأکید داشتند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این‌باره اظهار داشت: «وقتی دانش‌آموزها یاد می‌گیرند که به هم گوش بدن و نظر بدن، تازه تعامل شکل می‌گیرد». بازخورد سازنده و پرهیز از قضاوت شتاب‌زده نیز از دیگر مؤلفه‌های برجسته در این زیرمقوله بود.

مسئولیت‌پذیری فردی و گروهی

شرکت‌کنندگان اذعان داشتند که در یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان باید هم مسئولیت فردی و هم مسئولیت گروهی را بپذیرند. انجام وظایف محوله، تعهد به نتایج مشترک و احساس تعلق به گروه از عناصر مهم در این زمینه محسوب می‌شود. به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان: «یادگیری گروهی وقتی موفق‌تر است که هر کسی بدون وظیفه‌ش چیه و پای کار بمونه».

مهارت‌های ارتباطی

مهارت در بیان ایده‌ها، پرسش‌گری، مذاکره و انتقال معنا، از دیگر عناصر اساسی در فرآیندهای مشارکتی عنوان شد. مصاحبه‌شوندگان تأکید کردند که آموزش این مهارت‌ها، زیرساخت یادگیری جمعی را تقویت می‌کند. یکی از شرکت‌کنندگان گفت: «وقتی دانش‌آموز بلده خوب حرف بزنه یا درست سؤال بپرسه، هم خودش بیشتر یاد می‌گیره هم بقیه».

یادگیری مبتنی بر همکاری

از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، طراحی فعالیت‌های گروهی هدفمند و هم‌افزایی در تولید ایده‌ها از عوامل کلیدی یادگیری مؤثر است. تقسیم وظایف و ارزیابی گروهی نیز باعث افزایش مشارکت فعال می‌شود. یک معلم در این باره گفت: «بچه‌ها وقتی پروژه گروهی انجام می‌دن و خودشون تقسیم کار می‌کنن، بهتر درگیر یادگیری می‌شن».

خودنظم‌بخشی در فرآیند یادگیری

مفاهیمی همچون تعیین اهداف شخصی، مدیریت زمان و پیگیری مستمر فعالیت‌ها، از شاخص‌های خودنظم‌بخشی عنوان شدند. یکی از مصاحبه‌شوندگان خاطرنشان کرد: «یادگیری مشارکتی فقط گروه نیست؛ باید بچه خودش بتونه کارش رو مدیریت کنه و بدون کجای کاره».

تصمیم‌گیری جمعی

تصمیم‌گیری دموکراتیک و مشارکت در فرآیند تصمیم‌سازی در کلاس، از دیگر شاخص‌های مهم شناخته شد. مشارکت‌کنندگان به روش‌هایی چون رأی‌گیری، اجماع‌سازی و احترام به نظر اکثریت اشاره کردند. به گفته یکی از متخصصان: «اگه می‌خوای یادگیری جمعی باشه، باید تصمیم‌گیری هم جمعی باشه، نه اینکه فقط معلم بگه چی کار کنن».

حل مسئله گروهی

حل چالش‌های واقعی به صورت گروهی، نیازمند شناسایی مسأله، ارائه راه‌حل‌های خلاقانه و اجرای توافقی آن است. بسیاری از شرکت‌کنندگان این نوع حل مسئله را عامل مهم یادگیری پایدار دانستند. یکی از آن‌ها اظهار کرد: «وقتی بچه‌ها خودشون راه حل پیدا می‌کنن و امتحان می‌کنن، اون یادگیری دیگه فراموش نمی‌شه».

مقوله دوم: زمینه‌های پشتیبان یادگیری

حمایت معلم

نقش معلم به عنوان تسهیل‌گر یادگیری مشارکتی بسیار برجسته بود. شرکت‌کنندگان بر لزوم تشویق تعامل، بازخورد مداوم و طراحی فعالیت‌های مشارکتی توسط معلم تأکید داشتند. به گفته یکی از معلمان: «بچه‌ها خودشون تعامل می‌کنن ولی اگه معلم خوب هدایت نکنه، کار به نتیجه نمی‌رسه».

محیط فیزیکی و تکنولوژیکی

شرکت‌کنندگان بر این باور بودند که محیط کلاس باید فضای فیزیکی و دیجیتالی مناسبی برای همکاری فراهم کند. استفاده از چیدمان انعطاف‌پذیر، فناوری تعاملی و ابزارهای دیجیتال از جمله موارد مطرح شده بود. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرد: «تو کلاسی ما وقتی بچه‌ها بتونن راحت کنار هم بشینن یا با تبلت کار کنن، مشارکت خیلی بالا می‌ره».

ساختار برنامه درسی

برنامه درسی باید فرصت مشارکت فعال، پروژه‌محوری و پیوند با اهداف توسعه پایدار را فراهم آورد. مشارکت‌کنندگان خواهان انعطاف در محتوا و فعالیت‌های بین‌رشته‌ای بودند. به گفته یکی از متخصصان برنامه‌ریزی درسی: «اگر برنامه درسی خشک باشد، هیچ فرصتی برای یادگیری مشارکتی باقی نمی‌ماند».

فرهنگ مدرسه‌ای

فضای حاکم بر مدرسه نقش مهمی در پرورش یادگیری مشارکتی دارد. فرهنگ تعامل، احترام متقابل، و تشویق همکاری از جمله عناصر اثرگذار بود. یکی از معلمان اظهار داشت: «توی مدرسه‌ای که همکاری ارزش دارد، بچه‌ها خودشون سمت کار گروهی می‌رن».

ارزشیابی مشارکتی

شیوه‌های ارزشیابی نیز باید مشارکتی باشد تا بازخورد مناسبی فراهم شود. استفاده از خودارزیابی، ارزیابی همتایان و ابزارهای متنوع از جمله روش‌های مطرح‌شده بود. یکی از کارشناسان آموزشی گفت: «وقتی بچه‌ها خودشون همدیگر رو ارزیابی می‌کنن، هم مسئولیت‌پذیر می‌شن هم دقیق‌تر کار می‌کنن».

پشتیبانی والدین و جامعه

تعامل با خانواده‌ها و مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های مدرسه، در تقویت یادگیری مشارکتی مؤثر دانسته شد. همچنین ارتباط با نهادهای محلی و سازمان‌های مردمی نیز بر آموزش پایدار تأکید داشت. یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد: «ما وقتی با محله همکاری کردیم و خانواده‌ها رو وارد کار کردیم، بچه‌ها انگیزه‌شون چند برابر شد».

مقوله سوم: ارزش‌ها و نگرش‌های یادگیری

انگیزش درونی برای یادگیری

یادگیری مشارکتی زمانی پایدار است که فراگیران از درون انگیزه داشته باشند. مفاهیمی همچون لذت از یادگیری، کنجکاوی و علاقه به مشارکت، بارها در مصاحبه‌ها تکرار شد. یکی از معلمان گفت: «بچه‌ای که خودش بخواد یاد بگیره، تو گروه هم فعال‌تره، هم یادگیریش عمیق‌تره».

مسئولیت اجتماعی

احساس مسئولیت نسبت به جامعه، تمایل به بهبود شرایط اجتماعی و نوع‌دوستی از مؤلفه‌های پررنگ در این زیرمقوله بود. به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان: «اگر یادگیری باعث نشه بچه حس کنه باید به جامعه‌اش کمک کنه، اون یادگیری کامل نیست».

نگرش مثبت به همکاری

شرکت‌کنندگان عنوان کردند که باور به ارزش همکاری، باعث افزایش مشارکت فعال می‌شود. اعتماد متقابل و کاهش رقابت منفی، از مفاهیم کلیدی این زیرمقوله بود. یکی از معلمان اظهار داشت: «تا وقتی بچه‌ها فکر کنن همکاری یعنی ضعف، نمی‌تونن تو گروه موفق باشن».

خودآگاهی یادگیرنده

شناخت فردی، پذیرش بازخورد و رشد شخصی، نقش مهمی در یادگیری مشارکتی دارند. شرکت‌کنندگان معتقد بودند که خودآگاهی منجر به عملکرد گروهی مؤثرتر می‌شود. یکی از شرکت‌کنندگان اشاره کرد: «اگر دانش‌آموز خودش رو نشناسه، نمی‌دونه تو گروه چه نقشی می‌تونه داشته باشه».

تعهد به اهداف یادگیری پایدار

آگاهی از اهداف توسعه پایدار و تعهد به یادگیری مسئولانه، در شکل‌گیری نگرش یادگیرنده نقش دارد. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان کرد: «دانش‌آموز باید بدونه یادگیریش فقط برای خودش نیست، بلکه روی آینده جامعه هم تأثیر داره».

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که یادگیری مشارکتی مؤثر در راستای آموزش پایدار متشکل از سه مقوله اصلی شامل فرایندهای یادگیری مشارکتی، زمینه‌های پشتیبان یادگیری و ارزش‌ها و نگرش‌های یادگیری است. این سه مقوله دربرگیرنده مجموعه‌ای از شاخص‌های کلیدی هستند که تحقق یادگیری مشارکتی با کیفیت و همسو با اهداف آموزش پایدار را ممکن می‌سازند.

در مقوله نخست، «فرایندهای یادگیری مشارکتی»، شاخص‌هایی چون تعامل بین فردی مؤثر، مسئولیت‌پذیری فردی و گروهی، تصمیم‌گیری جمعی، حل مسئله گروهی و خودنظم‌بخشی شناسایی شد. این یافته‌ها همسو با نتایج مطالعات Johnson & Johnson (۲۰۰۹) است که تأکید می‌کنند عناصر ساختاری یادگیری تعاونی از جمله وابستگی مثبت، مسئولیت فردی، مهارت‌های بین فردی، و پردازش گروهی، پایه‌های کلیدی یادگیری مؤثر هستند. همچنین یافته‌های حاضر نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی صرفاً به تقسیم وظایف خلاصه نمی‌شود، بلکه مستلزم مشارکت عمیق، همدلی و تعاملات معنادار است. این امر با پژوهش Gillies (۲۰۱۶) مطابقت دارد که یادگیری مشارکتی را فرآیندی پیچیده و تعاملی تعریف می‌کند که مستلزم تسلط بر مهارت‌های ارتباطی، خودتنظیمی، و حل مسئله است.

در خصوص زیرمقوله «تصمیم‌گیری جمعی»، داده‌های به دست آمده بر نقش مهم مشارکت دموکراتیک و رعایت اصول مشارکتی در فرآیند تصمیم‌سازی تأکید داشتند. این نتیجه با یافته‌های Barkley et al (۲۰۱۴) همخوان است که نشان می‌دهد یادگیری مشارکتی زمانی به اثربخشی می‌انجامد که قدرت تصمیم‌گیری میان اعضای گروه توزیع شده و بر مبنای تعاملات دوجانبه شکل گیرد.

در مقوله دوم، «زمینه‌های پشتیبان یادگیری»، شاخص‌هایی همچون حمایت معلم، ساختار برنامه درسی، فرهنگ مدرسه‌ای و ارزشیابی مشارکتی استخراج شد. یکی از یافته‌های مهم در این بخش، نقش محوری معلم در تسهیل‌گری یادگیری مشارکتی بود. این موضوع با پژوهش Vygotsky (۱۹۷۸) نیز هم‌راستاست که تأکید دارد یادگیری اجتماعی در بستری امکان‌پذیر است که معلم به عنوان واسطه و هدایت‌گر نقش ایفا کند. در عین حال، نبود برنامه درسی انعطاف‌پذیر یا ارزشیابی‌هایی که صرفاً بر عملکرد فردی تمرکز دارند، از موانع جدی پیاده‌سازی یادگیری مشارکتی شناخته شدند. این موضوع با گزارش UNESCO (۲۰۲۰) همخوانی دارد که تأکید می‌کند تحقق آموزش پایدار نیازمند بازنگری در ساختارهای سنتی برنامه درسی و ارزشیابی است.

یکی دیگر از یافته‌های قابل تأمل، تأکید بر نقش والدین و جامعه محلی در تقویت یادگیری مشارکتی است. مشارکت خانواده‌ها، ارتباط با محله و استفاده از منابع محلی، به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که یادگیری را در بستر واقعی تجربه کنند. این یافته‌ها با رویکرد آموزش مبتنی بر جامعه (Community-based learning) مطابقت دارد که در ادبیات توسعه پایدار به عنوان یکی از راهبردهای مؤثر در تربیت نسل مسئول و آگاه مطرح شده است (Sterling, 2011).

در مقوله سوم، «ارزش‌ها و نگرش‌های یادگیری»، نتایج پژوهش حاکی از آن بود که یادگیری مشارکتی زمانی در راستای آموزش پایدار مؤثر است که با نگرش مثبت به همکاری، مسئولیت اجتماعی، انگیزش درونی، خودآگاهی یادگیرنده و تعهد به اهداف توسعه پایدار همراه شود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش Laal & Ghodsi (۲۰۱۲) همسو است که نشان دادند یادگیری مشارکتی موجب ارتقای مهارت‌های اجتماعی، همدلی، و آگاهی از نقش فرد در جامعه می‌شود. همچنین، تعهد یادگیرنده به ارزش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی، آن را از یادگیری صرفاً شناختی به یادگیری تحول‌گرا ارتقاء می‌دهد؛ نوعی از یادگیری که در مدل‌های آموزش تحول‌گرا مورد تأکید قرار گرفته است (Mezirow, 1997).

به‌طور کلی، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی زمانی در راستای آموزش پایدار اثربخش خواهد بود که نه تنها به سطح تعاملات کلاسی محدود نشود، بلکه در سطوح عمیق‌تر ارزشی، نگرشی، و ساختاری در نظام آموزشی نهادینه گردد. مؤلفه‌هایی چون خودنظم‌بخشی، تفکر انتقادی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و توانایی تصمیم‌گیری گروهی، از جمله مهارت‌هایی هستند که در شرایط جهانی کنونی، برای توانمندسازی نسل آینده جهت مواجهه با چالش‌های پیچیده، حیاتی به نظر می‌رسند (UNESCO, 2020).

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

- Barkley, E. F., Cross, K. P., & Major, C. H. (2014). Collaborative learning techniques: A handbook for college faculty. John Wiley & Sons.
- Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2018). Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches (4th ed.). Sage Publications.
- Gillies, R. M. (2016). Cooperative learning: Review of research and practice. *Australian Journal of Teacher Education*, 41(3), 39–54. <https://doi.org/10.14221/ajte.2016v41n3.3>
- Johnson, D. W., & Johnson, R. T. (2009). An educational psychology success story: Social interdependence theory and cooperative learning. *Educational researcher*, 38(5), 365-379.
- Laal, M., & Ghodsi, S. M. (2012). Benefits of collaborative learning. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 31, 486–490. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2011.12.091>
- Sterling, S. (2011). Transformative learning and sustainability: sketching the conceptual ground. *Learning and Teaching in Higher Education*, 5, 17–33.
- UNESCO. (2020). Education for Sustainable Development: A Roadmap. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000374802>